

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

فرستنده: مجله هفته

۰۷ مارچ ۲۰۲۰

گزارشی از وضعیت گسترش کرونا و تحریم دارو توسط امریکا

از خبرگزاری های داخلی ایران

گزارش زیر در چند تارنمای داخلی حکومتی منتشر شده و حاوی مطالب جالبی در مورد گسترش کرونا و تحریم های امریکا و غرب و ادعاهای دولت ایران در زمینه مبارزه با این ویروس می باشد، ما این مطلب را فقط به دلیل اطلاع رسانی بدون کمترین تغییری بازانتشار می کنیم و به معنای تأیید آن نمی باشد.

«دارون عجم و غلو» و «جیمز رابینسون» در کتاب معروف خود با عنوان «چرا ملت ها شکست می خورند» به مفهومی با نام برهه های سرنوشت ساز اشاره می کنند که همچون لبه تیز یک شمشیر می تواند کارکردی دوگانه داشته باشد، یک ملت یا یک امپراتوری را به سمت شکوفائی و یا فروپاشی بکشاند. در این کتاب یکی از برهه های سرنوشت ساز به خصوص درباره جزیره انگلستان، شیوع بیماری موسوم به «طاعون سیاه» در قرن چهاردهم میلادی معرفی می شود که با مرگ نیمی از جمعیت قاره اروپا همراه شده و از اصلی ترین تبعات آن آغاز فروپاشی نظام کلیسائی بود. شاید زمانی که «مارک دابوویتز» مدیر عامل اندیشکده «بنیاد دفاع از دموکراسی ها» (FDD) در حساب توییتری خود شادمانه از تأثیر منفی شیوع ویروس کرونا بر صادرات ایران می نوشت، به همین نکته می اندیشید که این بیماری شاید فرصتی برای فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی و گامی بلند برای نوعی براندازی غیرمستقیم لکن این بار نه با فشار تحریم ها بلکه در اثر یک حادثه بیولوژیک باشد.

شیوع کرونا در ایران از فضای مجازی کلید خورد؟

البته نگاه ابزاری مقامات امریکائی به موضوع همه گیری ویروس کرونا مسبوق به سابقه است. شاید جنجالی ترین مورد در این باره، اظهارات «ویلبر راس» وزیر بازرگانی امریکا باشد که شیوع این ویروس در چین و بحران ناشی از آن را فرصتی برای اقتصاد ایالات متحده دانست. این نقل قول جنجالی با واکنش خشمگینانه چینی ها روبه رو شد و جالب اینجاست که تنها یک ماه بعد با تأیید رسمی ورود کرونا به امریکا، بورس نیویورک بدترین دوره خود را از زمان بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ تجربه کرد.

درمورد ایران نیز بلافاصله پس از اعلام رسمی دو مورد تأیید شده ویروس کرونا در شهر قم، اولین واکنش وزارت خارجه آمریکا متهم کردن تهران به پردهپوشی و کتمان حقیقت در خصوص این ویروس و تعداد مبتلایان به آن بود. جالب اینجاست که در فاصله کمی بعد از انتشار این خبر، پمپاژ گسترده‌ای از اطلاعات در شبکه‌های فضای مجازی آغاز شد.

به عنوان مثال در شبکه اجتماعی توئیتر بیش از ۱۶۰ هزار توئیٹ و یا ریتوئیٹ در مورد این بیماری طی دو روز انجام شد که یک نگاه تحلیلی به منشای آن‌ها نشان می‌دهد که عمده این محتواها از طریق حساب‌های متعلق به گروهک تروریستی منافقین تولید شده است.

تکرار الگوی انقلاب‌های مخملی این بار به بهانه همه گیری کرونا

زمانی که این اقدامات در کنار پوشش گسترده خبری شبکه‌هایی چون «من و تو» قرار می‌گیرد به خوبی نشان‌دهنده همان الگوی قدیمی انقلاب‌های مخملی است. الگویی که به دنبال ایجاد نوعی «شرایط روان‌پریشی» در جامعه هدف است تا در این فضاء اعتماد مردم به اقدامات، هنجارها و مشروعیت حاکمیت کاهش یابد. شرط اساسی برای ایجاد چنین فضایی در جامعه نیز نشان دادن گسترش فضای بی‌اخلاقی در جامعه است و به نظر می‌رسد شیوع ویروس کرونا به عنوان بستری برای این عملیات در جامعه ایرانی انتخاب شده است.

به عنوان مثال یکی از تکنیک‌های به کار گرفته شده در این الگو بزرگنمایی برخی رویدادهای داخلی به منظور ایجاد فاصله بین نهاد دین و حاکمیت با مردم بود که نمونه آن انعکاس خبری مداوم بی‌اعتنائی برخی به توصیه‌های بهداشتی در خصوص زیارت اماکن مذهبی است.

با این حال مؤثر بودن تکنیک فوق برای افزایش فشار بر ایران از طریق ایجاد بی‌اعتمادی در جامعه مستلزم تطهیر و اعتماد به طرف مقابل هم هست. واقعیت این است که در طول ۶ ماه گذشته تقابل گسترده تهران و واشنگتن موجب تخریب بیش از پیش چهره آمریکا در افکار عمومی ایران شده که نمونه واضح آن تشییع گسترده پیکر شهید «قاسم سلیمانی» در شهرهای مختلف و استقبال گسترده از عملیات انتقامی سپاه در پایگاه هوایی عین‌الاسد بود و با این شرایط نمی‌توان انتظار موفقیت عملیات روانی آمریکا را در ایران داشت.

از همین رو برای بهبود این چهره، باید تدبیری در همین چهارچوب عملیاتی گنجانده شود که سیگنال واضح آن انتشار بیانیهای در خصوص معافیت‌های جدید تحریمی از سوی وزارت خزانه داری آمریکا بود. این نسخه را نیز دابوویتر برای امریکائی‌ها پیچید، آنجا که در توئیٹی دیگر از آنها خواست برای ایرانی‌ها کمک ارسال کنند.

چرا ایران نمی‌تواند دارو وارد کند

در طول ماه‌های گذشته یکی از مسائلی که در خصوص تحریم‌های آمریکا مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت، محدود کردن تراکنش‌های مالی برای تأمین مایحتاج داروئی ایران بود.

سابق بر این، طبق معافیت مندرج در قوانین تحریمی «سیسادا» و «کاهش تهدید ایران و سوریه» امکان انجام تراکنش‌های بانکی از سوی مؤسسات مالی بین المللی برای خرید دارو و غذا برای ایران وجود داشت اما از سال ۲۰۱۶ میلادی و تجمیع تمام تحریم‌های غیر هسته‌ای ایران در قالب قانون «کاتسا» و تعریف تک تحریمی جدید بر اساس متهم کردن مؤسسات مالی ایرانی به تأمین مالی تروریسم این منفذ حقوقی نیز از این بین رفت و از سال ۲۰۱۷

میلادی تاکنون و به خصوص پس از خروج آمریکا از برجام تمام نظام مالی ایران در همین قالب مجدداً مورد تحریم قرار گرفت.

یکی از مهم‌ترین تبعات این اتفاق امتناع مؤسسات مالی بین‌المللی از بازگشایی خطوط اعتباری برای خرید دارو و غذا توسط نهادهای درمانی ایران بود. ماجرا در سال ۲۰۱۹ به قدری رو به وخامت گذاشته است که چندین نفر از کودکان ایرانی مبتلا به بیماری پروانه‌ای به دلیل عدم ارسال پانسمان‌های لازم جان خود را از دست دادند. این ماجرا نه تنها واکنش ایران بلکه نهادهای حقوق بشری را در داخل آمریکا را نیز برانگیخت که نمونه آن نامه سناتور «الیزابت وارن» از کاندیداهای حزب دموکرات درباره نگرانی‌های موجود پیرامون تأمین داروی مورد نیاز ایران در آمریکا بود.

پاسخ وزارت خزانه‌داری آمریکا به این نگرانی‌ها و اعتراضات راه‌اندازی کانال مالی سوئیس برای تأمین مالی خرید دارو و غذا از محل ذخایر بانک مرکزی ایران در این کشور بود. علی‌رغم این که این اقدام گامی به سمت جلو بود و اولین محموله داروهای پیوند اعضا به ارزش نزدیک به ۲.۵ میلیون دلار از طریق سفارت سوئیس به ایران تحویل داده شد اما نگاهی دقیق به ساز و کار این کانال مالی نشان می‌دهد که این اقدام نمادین کوچکترین تأثیری در برطرف کردن مشکلات ایران ندارد. این در حالی است که اینستکس به عنوان راه جدی‌تر برای حل این مسأله با پیغام‌های تهدید آمیز واشنگتن عملاً ابتر باقی مانده و به کوچکترین نتیجه‌ای نرسیده است.

کانال مالی سوئیس حربه‌ای برای وابسته کردن ایران به آمریکا

اساس تشکیل کانال مالی سوئیس را می‌توان در ایجاد فرآیندی برای رصد لحظه‌ای تمام تراکنش‌های مالی حساس ایران در خصوص موضوع دارو و غذا تعریف کرد. زمانی که وزارت خزانه‌داری آمریکا راهنمای معافیت دو بانک سوئیسی برای معاملات مالی پیرامون دارو و غذا را صادر کرد، انجام تراکنش‌های مالی بر اساس این راهنما منوط به انتشار جزئی‌ترین اطلاعات مشتریان ایرانی شد.

بر این اساس شرکت‌ها و یا نهادهای طرف معامله باید اطلاعات داخلی خود را افشاء کنند تا هرگونه ابهامی در خصوص همکاری نهادهای تحریمی از بین برود. علاوه بر این مقصد نهائی هر کالای خریداری شده نیز به صورت دقیق باید ذکر شود و از تحویل آن به طرف ثالث خودداری شود.

به این ترتیب تمام اطلاعات مرتبط با حوزه دارو و غذا به صورت دقیق در اختیار امریکائی‌ها قرار می‌گرفت. این در حالی است که هم اکنون کانال‌های مالی گسترده‌تر با گردش مالی بسیار بیشتری در حال فعالیت و تأمین برخی نیازمندی‌های دارویی ایران هستند. عدم امکان شارژ منابع موجود در این کانال مالی اشکال دیگری است که نسبت به این مسیر مبادله‌ای وارد است چرا که ایران هم اکنون کوچکترین صادراتی در حوزه انرژی به کشورهای اروپایی ندارد و منابع بلوکه شده فعلی به دلیل حجم واردات ایران در کمترین بازه زمانی ممکن به اتمام می‌رسد.

منابع ارزی ایران همچنان بر روی واردات دارو قفل است

زمانی که «مایک پامپئو» وزیر خارجه آمریکا با سؤال در جلسه استماع این هفته مجلس نمایندگان نمایندگان آمریکا درباره نحوه صادرات دارو به ایران مواجه شد از فعال شدن کانال مالی سوئیس با تمام توان خبر داد.

اندکی بعد خبرگزاری رویترز نیز از معافیت‌های جدید تحریمی درباره این کانال خبر داد و این در حالی بود که کانال مالی سوئیس با همان محدودیت‌های پیشین مواجه بود. خرید کالا فقط محدود به کشور سوئیس است و امکان شارژ منابع مالی آن وجود ندارد.

این در حالی است که امریکائی‌ها برای اثبات حسن نیت خود در خصوص این پیشنهاد راه‌های متعددی در اختیار دارند که یکی از آن‌ها صدور مجوز برای برداشت از منابع ارزی ایران در عمان و هند برای خریدهای دارویی است. هم اکنون نزدیک به ۵ میلیارد دلار از منابع ارزی ایران به دلیل تحریم‌های امریکا در هند و عمان انباشته شده است. همین مسأله درباره ذخایر ایران در کوریای جنوبی نیز صدق می‌کند و مقامات ایرانی بارها در خصوص عدم امکان استفاده از این منابع حتی به پول این کشور گله کرده‌اند. طبیعی است که این بار هم امریکائی‌ها با تحریم‌های خود مانع خریدهای دارویی و غذایی ایران است.

طراحی بازی دو سر باخت برای ایران

زمانی که این پازل را در کنار قطعات دیگر آن از جمله اعلام آمادگی ترامپ برای کمک به ایران در موضوع همه‌گیری کرونا قرار می‌دهیم به این نتیجه می‌رسیم که واشنگتن و بنیاد دفاع از دموکراسی به دنبال فراهم کردن یک بازی دو سر باخت برای ایران هستند.

از یک سو تهران با قبول لطف امریکائی‌ها امنیت غذایی و دارویی خود را یک‌سره در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد و با رد آن متهم به بی‌توجهی به جان شهروندان خود خواهد شد که رسانه‌های معاند نیز به آن دامن می‌زنند. البته دستان ایران برای مقابله با این مسأله بسته نیست. هم اکنون کانال‌های ارزی گوناگونی برای تأمین نیازمندی‌های دارویی فراهم شده و ایران از کمک کشورهایی همچون چین در این باره برخوردار است. با این حال سؤال اینجاست که آیا سوء استفاده از شیوع ویروس کرونا جایی برای مطرح کردن امر اخلاقی از سوی واشنگتن باقی می‌گذارد؟ طبیعی است که در نهایت این موج بیماری در ایران به پایان خواهد رسید اما از هم اکنون ابرهای سیاه همه‌گیری کرونا در حال انباشته شدن در آسمان واشنگتن است. ماجرا به حدی جدی است که برخی تحلیلگران از این سخن می‌گویند که این ویروس می‌تواند حیات سیاسی ترامپ را تهدید کند.